

الباب الثامن و العشر من الواحد الثالث من اراد ان يفسر...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثامن و العشر من الواحد الثالث من اراد ان يفسر
شيئا من آثار النقطة او ينشيء في رضاء الله من كتاب لا
يجوز ان يأتي نسخة الى احد الا ان يستنسخ لنفسه على
احسن خط بخطه او بخط دونه فإذا يحل عطائه و الا لا
يجوز.

ملخص این باب آنکه خداوند دوست میدارد در بیان که آنچه واقع میشود از هر شیئی از حد نطفه آن شیئی الی ما ینتهی الیه فی حد الکمال بر منتهای علو حسن صورت و سیرت گردد تا آنکه بر هیچ نفسی بقدر ذره کره وارد نیاید و ما لا یحب را متحمل نگردد

از آن جمله است که حکم شده هر کس تفسیری بر کلمات بیان مینویسد یا از خود کتابی در علمی انشاء میکند اگر خود میتواند باحسن خط نسخه اصل را برداشته و الا داده بکسی که نوشته و بعد نزد خود حفظ نموده آنوقت نسخه بدیگری داده شود که آثار هر نفسی در نزد خود آن نفس باشد و بعد بدیگری برسد که اگر دون این شود هبط عمل او میگردد الا در مواقعی که بامری میسر نگردد یا در عطا از برای خود نسخه بهتر انجام



ORIGINAL



AUDIO

دهد که آن وقت از برای او اذن هست که قبل از استنساخ بدهد که نسخه خوب از برای او تمام نموده راجع سازند این در صورت دون امکان هست و الا در صورت امکان آن قسم محبوب تر بوده و هست عند الله

نه مثل داب علمای این عصر که نسخه هزار خطی که در هر صفحه چندین نوع حکم مینماید همین قدر که نسخه اصل است حفظ مینماید مثل کتاب مصائبی که الآن در این جبل است از منشی اون بلکه اگر کتابی باشد که یک نقطه سوداء در غیر محل آن بهم رسد لایق حفظ نیست و از برای بحر محیط لایق

فلتلطفن فی کل صنایعکم ان یا اولی البیان علی حق ما اتم علیه مقتدرون قل ان الله الطف فوق کل ذا لطف لن یقدر ان یمتنع عن ملیک سلطان لطفه من احد لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما انه کان لطافا ملطفا لطیفا.

